

## Intermediate 1 vocab

absorb (v.)	درک کردن مطلب جدید
academic (n.)	استاد یا محقق دانشگاه
accomplishment (n.)	به انجام رساندن
achieve (v.)	موفق شدن
adventure (n.)	ماجرا
adversely (adv.)	به طور نامطلوب
affair (n.)	کار، امر
afterward (adv.)	سپس
age (n.)	زمان خیلی طولانی
ahead (adv.)	پیش، جلو
aim (v.)	هدف گرفتن (اسلحه)
alert (adj.)	هوشیار
appendicitis (n.)	آپاندیسیت
appreciation (n.)	قدردانی
arrange (v.)	مرتب کردن، ترتیب دادن
arrest (v.)	دستگیر کردن
as well (as sb/sth) (exp.)	علاوه بر (کسی/چیزی)
aspect (n.)	جنبه، یک جنبه از یک وضعیت
association (n.)	انجمن
attach (v.)	الصاق کردن
attack (v.)	حمله کردن
await (v.)	منتظر شدن
awareness (n.)	آگاهی، هوشیاری
baby (v.)	لوس کردن
background (n.)	(پس) زمینه
bandage (n.)	بانداز
basically (adv.)	به طور کلی
beast (n.)	یک حیوان وحشی، یک انسان ظالم
beat (v.)	تپیدن
beneficial (adj.)	مفید
bid (v.)	خداحافظی کردن، صبح بخیر گفتن ...
bony (adj.)	(جنس) استخوانی
bring about (v.)	سبب وقوع امری شدن
build up (v.)	تجمع یافتن
bulging (adj.)	برآمده
burglar (n.)	سارق منزل
bury (v.)	دفن کردن
burst into flames (exp.)	شعله ور شدن
busboy (n.)	کمک پیشخدمت، پادو
by no means (exp.)	به هیچ وجه
cab (n.)	تاکسی
caller (n.)	فرد تماس گیرنده (در تلفن)
campsite (n.)	محل مخصوص چادر زدن
capacity (n.)	ظرفیت (جسمی، روحی)
career (n.)	حرفه
case (n.)	پرونده (جرم)
cease (v.)	متوقف شدن
change sb's mind (exp.)	تغییر عقیده دادن
charity (n.)	صدقه، خیرات
check in (v.)	ورود به فرودگاه و ارائه بلیط
chicken pox (n.)	آبله مرغان
chief (n.)	رئیس
choice (n.)	(حق) انتخاب
community center (n.)	ساختمان محل انجمن
concentrate (v.)	تمرکز کردن
concentration (n.)	تمرکز
concern (v.)	ارتباط داشتن با
constant (adj.)	ثابت
contagious (adj.)	مُسری
convenience store (n.)	مینی مارکت شبانه روزی
convince (v.)	متقاعد کردن
courtesy (adj.)	رایگان

creative (adj.)	خلاق
creature (n.)	جانور
crime (n.)	جرم
criminal (n.)	مجرم
crisp (adj.)	ترد
critical (adj.)	منتقدانه، دقیق
cut off (v.)	محروم کردن، قطع کردن
deadline (n.)	آخرین مهلت
deadly (adj.)	مرگبار
delighted (adj.)	محظوظ، شاد
delivery (n.)	تحویل (اشیاء، نامه‌ها)
demanding (adj.)	طاقت فرسا، نیازمند توجه بسیار
dentures (n.)	دندان مصنوعی
dependent (adj.)	وابسته
depressed (adj.)	افسرده
desk clerk (n.)	تحویل دار هتل
desperate (adj.)	بی‌امید، بسیار سخت
detailed (adj.)	بتفصیل، دقیق
detective (n.)	کارآگاه
diagnose (v.)	تشخیص دادن
dip (n.)	آفت (مثلا دما)
disappointed (adj.)	ناامید
disappointment (n.)	ناامیدی
disaster (n.)	فاجعه
disk jockey (n.)	دی جی
disinfectant (n.)	داروی ضدعفونی
disrupt (v.)	مختل کردن کار
distinct (adj.)	مجزا
distressing (adj.)	دردناک، بسیار ناراحت کننده
do one's bit (exp.)	نقش خود را ایفا کردن
dominant (adj.)	غالب، مسلط
down (adj.)	ناراحت، بی‌حوصله
dramatically (adv.)	به طور قابل توجهی
drop off (v.)	افتادن (به خواب رفتن)
drop sb (off) (v.)	(رساندن و) پیاده کردن کسی از اتومبیل
drowsy (adj.)	خواب آلود
due to sb/sth (exp.)	بسبب کسی/چیزی
effect (n.)	تغییر، تاثیر
effective (adj.)	موثر
effort (n.)	تلاش
embarrassed (adj.)	خجالت زده
entitle (v.)	حق داشتن انجام کاری
every inch (of sth) (exp.)	همه جا، نقطه به نقطه
every now and then (exp.)	برخی اوقات
exaggerate (v.)	مبالغه کردن
exist (v.)	وجود داشتن
extract (v.)	با زور بیرون کشیدن (مثلا دندان)
faint (v.)	غش کردن
fancy (v.)	میل داشتن
farewell (n.)	وداع
fatigue (n.)	خستگی شدید (روحی یا جسمی)
fault (n.)	تقصیر
feel like (v.)	تمایل داشتن به
feel like hell (exp.)	شدیدا مریض یا خسته بودن
fellow (n.)	رفیق
fire (v.)	اخراج کردن از کار (به عنوان جرم)
flyer (n.)	آگهی کوچک
forceps (n.)	پنس (جراحی)
forgery (n.)	جعل (اسناد یا اثر هنری)
fracture (n.)	شکستگی (استخوان)
freeze (v.)	یخ زدن (و مردن)

gather (v.)	جمع کردن (برای ادامه زندگی)
general practitioner (n.)	پزشک عمومی
go without (v.)	بدون (چیزی) سپری کردن
govern (v.)	تسلط داشتن، کنترل کردن
groan (v.)	آه و ناله کردن
grow (v.)	شدن (مثلا خسته شدن)
guilty (adj.)	مُقصِر
gut (n.)	دل (احساسی در دل مربوط به وقوع اتفاقی)
handle (v.)	(از پس کاری دشوار) بر آمدن
hand out (v.)	توزیع کردن
heal (v.)	التیام (بهبودی) یافتن
hemisphere (n.)	نیمکره
hide (v.)	پنهان کردن
hint (n.)	یک راهنمایی کوچک
How come? (exp.)	چطور؟، به چه علت؟
ignore (v.)	نادیده گرفتن
imagination (n.)	تخیل
immediately (adv.)	بلافاصله
implication (n.)	اشاره، مفهوم
impression (n.)	اثر، خاطره، برداشت
improvement (n.)	بهبودی، پیشرفت
in a row (exp.)	پشت سر هم
including (prep.)	از جمله، بعلاوه
index (n.)	شاخص
Indian (n.)	سرخیوست
indigestion (n.)	سوء هاضمه
individual (n.)	یک فرد، شخص
infectious (adj.)	عفونی
injection (n.)	تزریق
in-law (n.)	فامیل همسر، خویشاوند سببی
inn (n.)	مهمانخانه
insomnia (n.)	بیماری بیخوابی
inspiration (n.)	الهام
intellectual (adj.)	عقلی، ذهنی، فکری
intelligence (n.)	سازمان جاسوسی یک کشور
in vain (exp.)	بیپوده
involve (v.)	شامل بودن
jaywalking (n.)	وسط خیابان یا محلی خطرناک با بی احتیاطی راه رفتن
juicy (adj.)	آبدار
kind of (exp.)	به نوعی، به جورایی
kneel (v.)	زانو زدن
lack (n.)	نبودن، کمبود، فقدان
leader (n.)	رهبر
leather (n.)	چرم
leisure (n.)	فراغت، تفریح
let us say (exp.)	فرض کنیم، مثلا بگوییم
lifeguard (n.)	نجات غریق
limit (n.)	حد، حریم، محدودیت
litter (v.)	اشغال ریختن
lose touch (v.)	از یکدیگر دور ماندن
loyal (adj.)	وفادار
mad (adj.)	عصبانی
made of money (exp.)	خیلی پولدار
maintenance (n.)	تعمیر و نگهداری
make the most of sth (exp.)	بیشترین بهره را از چیزی بردن
man-made (adj.)	ساخت بشر
mass (n.)	چرم
meditate (v.)	اندیشه کردن، تمرکز کردن
medication (n.)	تداوی، دارو
member (n.)	عضو
mighty (adj.)	نیرومند
miserable (adj.)	بدبخت

misfortune (n.)	بدشانسی
moan (v.)	نالہ کردن
moody (adj.)	بد اخلاق، دمذمی
murder (n.)	قتل
mute (adj.)	(حرف) بی صدا، لال
mystery (n.)	داستان، فیلم یا نمایشنامه اسرارآمیز
Neanderthal (adj.)	وابسته به انسان وحشی و اولیه
nevertheless (adv.)	با اینحال
nightmare (n.)	کابوس
no way (exp.)	هرگز
nod off (v.)	ناخواسته به خواب رفتن
nursing home (n.)	خانه سالمندان
nuts (adj.)	دیوانه، خیلی علاقمند
obese (adj.)	چاق، فربه
object (n.)	شیئی
oculist (n.)	چشم پزشک
ointment (n.)	پماد
on hand (exp.)	در دسترس
on one's own (exp.)	به تنهایی، بدون کمک کسی
on sb's side (exp.)	طرف کسی بودن، حمایت کردن از کسی
on top of (exp.)	علاوه بر سایر موارد
optician (n.)	عینک ساز
ordeal (n.)	کار شاق (بسیار دشوار)
order (n.)	نظم، ترتیب
organize (v.)	ترتیب دادن، سازمان دادن
original (adj.)	نسخه اصلی، نسخه اولین
outline (n.)	نمای کلی، رئوس مطالب، طرح کلی
out of sight (exp.)	ناپیدا
overcome (v.)	پیروز شدن بر
overweight (adj.)	سنگین تر از حد (افراد، اشیاء)
paralysis (n.)	فلجی
pasty (adj.)	(صورت و پوست) بسیار رنگ پریده و بیمار مانند
peace (n.)	آرامش
peak (n.)	اوج
pep up (v.)	سرحال آوردن
perform (v.)	انجام دادن، اجرا کردن
performance (n.)	انجام، اجرا
personality (n.)	اخلاقی و خصوصیات شخص
personally (adv.)	شخصاً (جهت تأکید)
pickpocketing (n.)	جیب بُری
pizzeria (n.)	پیتزا فروشی
pneumonia (adj.)	ذات الریه
point of view (n.)	نگرش، نقطه نظر
poisoning (n.)	مسمومیت
pole (n.)	تیر نگه دارنده (مثلاً در چادر)
political (adj.)	سیاسی
politics (n.)	سیاست
possession (n.)	مالکیت
potbelly (n.)	شکم گنده
preferably (adv.)	ترجیحاً
primitive (adj.)	نخستین، (انسان) اولیه
prison (n.)	زندان
program (v.)	برنامه ریزی کردن رفتاری (انسان، حیوان)
protection (n.)	محافظت
prove (v.)	اثبات کردن
psychic (adj., n.)	دارای توان ذهنی خواندن فکر دیگران، فردی با این توان
pull faces/a face (at sb) (exp.)	به کسی شکلک در آوردن یا اخم کردن ...
punishment (n.)	مجازات
raging (adj.)	طغیان کننده، شدید
raise (v.)	پول جمع کردن برای هدفی خاص

reactions (n.)	واکنش (ها)
read sb's palm (exp.)	برای کسی کف بینی کردن (برای تخمین آینده)
reason (v.)	استدلال کردن
reassure (v.)	اطمینان دادن به
reckon (v.)	گمان کردن
recovery (n.)	ریکاواری، بازیابی سلامتی
reduction (n.)	کاهش، تنزل
regarding (prep.)	در رابطه با
release (v.)	رها ساختن کسی/چیزی
REM sleep (n.)	دوره خواب با حرکات سریع چشم (که فرد خواب می‌بیند)
remote (adj.)	دور دست، پرت
removal (n.)	بردن، برداشتن
represent (v.)	ارائه کردن
responsible (adj.)	مسئول
result in (v.)	منجر شدن به
reverse (n.)	برعکس
reward (n.)	پاداش
rifle (n.)	تفنگ
right, left, and center (exp.)	همیشه و همه‌جا، به تعداد یا مقدار بسیار
rub (v.)	مالیدن (مثلاً مالیدن چشم موقع خستگی)
run (v.)	فعالیت کردن، عمل کردن، مدیریت کردن
satisfactory (adj.)	رضایتبخش
satisfy (v.)	راضی کردن، خشنود کردن
scald (n.)	آثر آب جوش بر روی پوست
Scale (n.)	ترازو
scarlet fever (n.)	(تب) مخملک
scene (n.)	چشم انداز
schedule (n.)	برنامه زمان بندی
self-employed (adj.)	دارای شغل آزاد، ارباب خود
set about (v.)	دست به کار شدن
set up (v.)	دست به کاری (تجاری، سازمانی، موسسه‌ای) زدن
sheer (adj.)	صرف، محض
shift gears (exp.)	تغییر تفکر و صحبت از موضوعی به موضوع دیگر
shortage (n.)	کمبود
show off (v.)	خودنمایی کردن، پُز دادن
siesta (n.)	خواب نیمروز، قیلوله
silk (n.)	پارچه ابریشمی
sixth sense (n.)	حس ششم
skill (n.)	مهارت
skull (n.)	جمجمه
sleepwalker (n.)	کسی که در خواب راه می‌رود
slip (v.)	لیز خوردن
slow down (v.)	استراحت کردن، از شدت فعالیت کاستن
snowflake (n.)	دانه برف
socialize (v.)	خودمانی شدن، معاشرت کردن
sort out (v.)	دسته‌بندی کردن
sound (adj.)	(خواب) عمیق و آرام
sour (adj.)	تُرش
specialist (n.)	متخصص
splash out (v.)	مبلغ زیادی را برای موارد نه چندان مهم خرج کردن
spread (v.)	منتشر کردن (بیماری و ...)
square (adj.)	مربع (مثلاً «متر مربع» و ...)
stand on one's own feet (exp.)	روی پای خود ایستادن
state (n.)	وضعیت
statue (n.)	تندیس، مجسمه (انسان یا حیوان)
steady (adj.)	ثابت (مثلاً شغل ثابت)
steal (v.)	دستبرد زدن، دزدیدن

step (n.)	گام، مرحله
stick (n.)	یک تکه شاخه شکسته
stiff (adj.)	خشک، چوب شده (بدون انعطاف یا با انعطاف کم)
strength (n.)	شدت، قوت
stroke (n.)	سکته (مغزی)
substitute (n.)	جانشین، جایگزین
sulk (v.)	اخم، ترشروی
sun-tanned (adj.)	(پوست بدن) قهوه‌ای شده در اثر آفتاب
supply (n.)	موجودی، ذخیره
supersat (n.)	داروی مهار کننده
surgeon (n.)	جراح
survive (v.)	زنده ماندن، سپری کردن
suspense (n.)	تعلیق، بلاکلیفی
swell (v.)	ورم کردن
sympathetic (adj.)	همدرد، دلسوز
sync (n.)	هماهنگی با هم کار کردن (در یک زمان، با یک سرعت ...)
syrup (n.)	شریت
tag (n.)	برچسب (قیمت)
telly (n.)	تلویزیون
temporary (adj.)	موقت
tension (n.)	تنش، فشار (عصبی)
tent (n.)	چادر، خیمه
thief (n.)	دزد، سارق
the stock market (n.)	بورس سهام و ارز
thoroughly (adv.)	کاملاً، سراسر
threaten (v.)	تهدید کردن
thump (v.)	با صدای تپ تپ زدن یا راه رفتن
to some extent (exp.)	تا حدی، تا اندازه‌ای
tough (adj.)	دشوار
treatment (n.)	درمان
tricky (adj.)	نیرنگ آمیز، مهارت آمیز
trigger (n.)	ماشه تفنگ
trunk (n.)	صندوق عقب خودرو
trust (v.)	اطمینان کردن
turn (v.)	تغییر کردن (مثلاً هوا)
turn in (v.)	شب به رختخواب رفتن
turn out to be sb/sth (exp.)	از آب در آمدن، نتیجه دادن
twig (n.)	شاخه کوچک، ترکه
twitch (v.)	انقباض ناگهانی عضله
uncover (v.)	اشکار کردن
underweight (adj.)	دارای کسر وزن، لاغر
untidy (adj.)	درهم و برهم، نامرتب
up to sth (exp.)	تا (حدود) (مثلاً تا ۷۰ متر)
valuable (adj.)	با ارزش
VCR (n.)	دستگاه ویدئو (ضبط و پخش)
wave (v.)	دست تکان دادن
wear out (v.)	کاملاً خسته کردن
wonder (n.)	شگفتی
word processing (n.)	پردازش کلمه، تایپ
wound (n.)	زخم